

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۲ جولای ۲۰۲۵

رجز خوانی های جنگ طلبانه «مثلث مرگ» ترمپ، خامنه ای و نتان یاهو ادامه دارد!

جنگ و درگیری ارتجاعی و وحشیانه ۱۲ روزه بین امریکا و اسرائیل و ایران، لطمات زیاد انسانی و اقتصادی به هر دو ملت ایران و اسرائیل وارد کرده است. مردمی که با هم هیچ درگیری و خصومتی ندارند اما دو حکومت ارتجاعی و جنگ طلب و کودک کش، زندگی هراس انگیز و ویرانگری نه تنها برای دو ملت، بلکه برای خاورمیانه به وجود آورده اند. اکنون طرفین درگیری جنگ و کشتار در خاورمیانه، خود را پیروز این جنگ می نامند به خصوص سران جمهوری چهل و جنایت و ترور اسلامی ایران. آن هم در حالی که هنوز رهبرشان از مخفیگاه خود خارج نشده است. رسانه های دولتی ایران به نقل از سخنگوی قوه قضائیه، گزارش دادند که بر اساس آخرین داده های پزشکی قانونی، حدود ۹۳۵ نفر در جریان جنگ هوایی ۱۲ روزه با اسرائیل در ایران کشته شده اند. سخنگوی قوه قضائیه، اصغر جهانگیر، گفت که در میان کشته شدگان، ۳۸ کودک و ۱۳۲ زن نیز وجود دارند. این آمار، افزایش چشمگیری نسبت به آمار قبلی نشان می دهد. وزارت بهداشت ایران پیش از شمار قربانیان را ۶۱۰ کشته اعلام کرده بود. سخنگوی قوه قضائیه تعداد کشته شدگان در حمله اسرائیل به زندان اوین تهران را از ۷۹ نفر اعلام کرد. دیروز همین فرد این تعداد را ۷۱ نفر اعلام کرده بود. مقامات اسرائیلی نیز کشته شدن ۲۸ نفر در حملات ایران را تأیید کرده اند.



شرایط جنگی و هراس، سرکوب و اعدام در ایران، به وضعیتی اشاره دارد که در آن سرکوب گسترده و خشونت آمیز توسط حکومت با هدف ایجاد ترس و وحشت در جامعه و جلوگیری از اعتراضات و مخالفت های مردمی اعمال

می‌شود. این شرایط اغلب با سرکوب گسترده آزادی بیان و تجمع، و همچنین سرکوب مخالفان سیاسی و فعالان مدنی و اجتماعی همراه است.

پیش‌تر دادستانی قوه قضائیه جمهوری اسلامی، با صدور اطلاعیه‌ای مردم و کاربران فضای مجازی را تهدید کرده و نوشته بود:

«انتشار تصاویر و مطالب مخل امنیت روانی در فضای مجازی در امتداد عملیات ایزدانی ضدايراني ارزیابی می‌شود و مشمول برخورد قانونی بازدارنده است.» (تسنیم ۲۳ خرداد ۱۴۰۴).

آنچه که از نظر نهادهای حکومتی تهدید به حساب می‌آید، نه «تصاویر» و نه «شایعات»، بلکه حقیقت تلخ و عریان‌شده‌ای است که در آئینه فضای مجازی، آشکارا و بی‌سانسور به نمایش درمی‌آید. به عبارت دیگر، حکومتی که در بحران‌ها و ناتوان از مهار آن، خشم عمومی برانگیخته است.

این هشدارها نه به دلیل ترس از دشمن خارجی، بلکه به روشنی ناشی از وحشت اوج‌گیری اعتراضات اجتماعی است که از بطن جامعه رنج‌کشیده ایرانی برمی‌خیزد. در واقع تحلیل همه دستگاه‌های امنیتی، ایدئولوژیکی و سیاسی حاکمیت در سال‌های اخیر، بارها بر این نکته تاکید کرده‌اند که فضای مجازی بستر اصلی تبلیغ و ترویج و تکوین اعتراضات و سازمان‌دهی نیروهای آزادی‌خواه و برابری‌طلب است. تجربه جنبش‌های اعتراضی دیماه ۱۳۹۶، آبان ۱۳۹۸ و جنبش قدرتمند ۱۴۰۱، برای حاکمیت کافی بوده تا متوجه شود انفجار خشم مردمی، بدون نیاز به سازوکارهای رسمی یا رسانه‌های دولتی، تنها با پیام‌ها و ویدیوها در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند سامان یابد و گسترش پیدا کند. به‌خصوص نیروهای جوان در شبکه‌های اجتماعی با همدیگر ارتباط قوی دارند و قادرند در کوتاه‌ترین مدت، دست به بسیج عمومی بزنند.

در چنین ساختاری، هر ایرانی به یک شبکه اجتماعی، رسانه و خبررسانی متکی به خود و روابطش دارد. دیگر نمی‌توان با تسلط بر صدا و سیما یا روزنامه‌های حکومتی، ذهن جامعه را مهار کرد و آدرس‌های غلط داد.

روزنامه کیهان در شماره ۷ تیر ۱۴۰۴ با انتشار گزارشی، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) را متهم به جاسوسی برای اسرائیل کرد و خواستار صدور حکم اعدام برای او شد. سپس آیت‌الله مکارم شیرازی در فتوایی، اعلام کرد هر «رژیمی که رهبری و حاکمیت را تهدید کند، حکم محارب دارد و تقویت آن توسط مسلمانان یا دولت‌های اسلامی حرام است.»

حکومتی که همواره پروپاگاندا و دروغ و ریاکاری را تبلیغ می‌کند، دیگر اعتماد عمومی را از دست داده و امروز با یک ساختار ارتباطی خودانگیخته و هوشمند و فعال مواجه است. فضای مجازی در ایران، فقط ابزار اطلاع‌رسانی نیست، بلکه یک میدان نبرد ایدئولوژیک، رسانه‌ای، اجتماعی و سیاسی است که جنبش‌های اجتماعی و مردم آزاده آن را برای گسترش آگاهی و سازماندهی اعتراضات برگزیده‌اند.

شکاف میان حاکمیت و مردم چنان عمیق شده که هر نوع کنش ارتباطی مستقل، تهدیدی بالقوه برای بقای حکومت تلقی می‌شود.



* علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، اعلام پیروزی کرد و گفت که اسرائیل به رغم «هیاو و ادعا»، «زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا درآمد و لِه شد.»

خامنه‌ای در سومین پیام خود از زمان آغاز جنگ، گفت که امریکا وارد جنگ مستقیم علیه ایران شد زیرا به گفته او واشنگتن احساس کرد اگر وارد نشود اسرائیل «به کلی نابود خواهد شد.»

خامنه‌ای، ادعا کرد: «امریکا هیچ دستاوردی در این جنگ نداشت. این‌جا هم جمهوری اسلامی پیروز شد و متقابلاً سیلی سختی به گونه امریکا نواخت.»

خامنه‌ای، در ادامه ادعاهای پوچ و دروغین خود، گفت جمعیت «۹۰ میلیونی» ایران یکپارچه، یک صدا، شانه‌به‌شانه، ایستادند و از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی حمایت کردند.

علی خامنه‌ای گفت: «امریکائی‌ها در حمله به تاسیسات هسته‌ای نتوانستند کار مهمی انجام دهند.»

* با تصویب طرح تعلیق همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سوی مجلس ایران کشورهای جهان از جمله روسیه، فرانسه و آلمان به این قانون واکنش منفی نشان دادند و رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی اتمی اعلام کرد که «همکاری ایران با این آژانس یک الزام است.»

یک روز پس از آتش‌بس جنگ ۱۲ روزه، مجلس ایران همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به حالت تعلیق درآورد.

روزنامه کیهان جمهوری اسلامی، درخواست ترور گروسی رئیس آژانس اتمی بین‌المللی را پیش کشید.

* دو آیت‌الله بدون نام بردن از ترمپ و نتانیاهو فتوای ترور آن‌ها را صادر کردند.

* رسانه‌های حکومتی روز دوشنبه ۰۹ تیر ۱۴۰۴، اعلام کرد:

ابراهیم متقی استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران و از چهره‌های بانفوذ در گفت‌وگویی در صداوسیما با اشاره به این‌که شواهد نشان می‌دهد اسرائیل با استفاده از غافلگیری حداکثر ظرف یک هفته آینده بار دیگر به ایران حمله می‌کند، اهداف این حمله را علاوه بر شخصیت‌های نظامی، مقامات سیاسی و اداری را اعلام کرد و مجموعه توصیه‌های امنیتی بسیار مهمی را مطرح کرد که باید به شدت جدی گرفته شود. متقی در بخشی از اظهاراتش درباره رفتار چین و روسیه در عدم ارائه تسلیحاتی چون اس ۴۰۰ و جی ۱۰ که توازن در منطقه ایجاد کند نیز انتقاد کند. این گفت و گوی مهم را در تابناک می‌بینید.

روایت شمخانی از شب حمله اسرائیل: نماز صبح را زیر آوار خواندم، پسر ۱۰ دقیقه قبل از انفجار رفته بود

علی شمخانی پس از حمله موشکی به محل اقامتش در شب اول جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران، برای نخستین بار روز شنبه در انتظار عمومی ظاهر شد. پیش‌تر برخی رسانه‌ها از مرگ او خبر داده بودند، اما چند ساعت بعد، منابع نزدیک به دولت ایران اعلام کردند که او در این حمله زخمی شده و زنده مانده است.

علی شمخانی، مشاور رهبر و دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی ایران روز شنبه هفتم تیر-۲۸ جون، در مراسم خاکسپاری فرماندهان سپاه و کشته‌شدگان حملات اسرائیل در تهران حاضر شد. این نخستین حضور عمومی مشاور علی خامنه‌ای پس از حمله موشکی اسرائیل به محل اقامتش در شب اول جنگ است.

خبرگزاری صداوسیما نیز روز شنبه برای نخستین بار تصاویری از خانه تخریب‌شده شمخانی در پی حملات اخیر اسرائیل به تهران را نشان داد.

گزارش‌های اولیه پس از حملات اسرائیل مدعی شده بودند که شمخانی در لحظه حمله اسرائیل به محل اقامتش کشته شده، در حالی که برخی منابع دیگر گفته بودند او زنده مانده و به‌شدت زخمی شده است. تا اینکه هفته گذشته، شمخانی خودش تأیید کرد که زنده مانده و گفت: «تقدیر آن بود که با تنی زخمی بمانم، پس می‌مانم تا همچنان دلیل دشمنی خصم باشم.»

اسرائیل تا پیش از اعلام آتش‌بس در روز سه‌شنبه، مدعی شد که طی ۱۲ روز حدود ۳۰ فرمانده ایرانی و ۱۱ دانشمند هسته‌ای را کشته و هشت مرکز مرتبط با برنامه هسته‌ای و بیش از ۷۲۰ سایت زیرساخت نظامی را هدف قرار داده است.

شمخانی در مصاحبه خود در این رابطه گفت که با فرماندهان کشته‌شده «جلسات ثابتی داشته و راهبرد تنظیم می‌کردند و پیش‌بینی این را کرده بودند که به ایران حمله صورت می‌گیرد.»

او در عین حال، با اشاره به اقدام سریع در جایگزینی فرماندهان کشته شده با نفرات جدید گفت که این افراد ظرف کمتر از ۱۲ ساعت جایگزین شدند و اظهار داشت که عملیات نظامی تلافی‌جویانه ایران علیه اسرائیل «مبتنی بر عملیات کور نبود، بلکه مبتنی بر اقدامات از پیش طراحی شده» بود.

او این مصاحبه را در یک کافی‌شاپ بعد از مراسم تشییع کشته‌شدگان حملات اسرائیل انجام داد و گفت که خانه او تخریب شده و دفتر کار هم ندارد.

او با تأکید بر اهمیت توانمندی‌های نظامی افزود: باید توانمندی‌هایمان را به سرعت تغییر دهیم و فریب مذاکره را نخوریم. او گفت: «مذاکره برای توافق نیست بلکه برای این است که شرایط کشور را آماده تحریک به منظور اعتراضات کنند.»

شمخانی گفت: «ما (حاکمیت) موظفیم اجازه ندهیم اختلافی ولو کوچک ناشی از سو تفاهم یا رفتاری نادرست مابین ما و ایرانی‌ها ایجاد شود باید تلاش کنیم اگر اختلافی وجود دارد را در پروسه تفاهم حل کنیم.»

شمخانی در حالی که با دستگاه کمک‌تنفسی مخصوص بازتوانی ریه صحبت می‌کرد، گفت: «قفسه سینه‌ام شکسته و بیشتر آسیب‌های داخلی دیدم.»

اول فکر کردم زلزله است. ناگهان اتاق من فرو ریخت و من سه ساعت زیر آوار بودم. همان‌جا نماز صبحم را خوانم. کمی بعد که صدای ماشین‌ها و همه‌همه شنیدم متوجه شدم اسرائیل من را زد. او افزود: «اول فکر کردم زلزله است. ناگهان اتاق من فرو ریخت و من سه ساعت زیر آوار بودم. همان‌جا نماز صبحم را خوانم. کمی بعد که صدای ماشین‌ها و همه‌همه شنیدم متوجه شدم اسرائیل من را زد.»؟!

شمخانی گفت تاکنون سه دفعه می‌خواستم کشته شوم، «قبل از انقلاب، در جنگ ایران و عراق و در حمله اسرائیل». او، همچنین گفت که اتاق پسرش به نام حسن در طبقه بالا با خاک یکسان شده است. اما او «۱۰ دقیقه قبل از خانه رفته بود بیرون.» علی شمخانی صاحب ۵ فرزند است که نام سه فرزند او یعنی حسن، حسین و زینب تاکنون در پرونده‌های مختلف مطرح شده است.

علی شمخانی، مشاور علی خامنه‌ای که در جریان جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه جمهوری اسلامی هدف حمله قرار گرفته بود، مدعی شد: «اسرائیلی‌ها من را زدند، چون پدر صاحبشان را درآوردیم.» شمخانی از بیان دلیل هدف قرار گرفتن خود خودداری کرد، اما گفت: «اسرائیل می‌داند چرا به من حمله کرد و من هم می‌دانم. اما نمی‌توانم چیزی بگویم.» او که یکی از چهره‌های ارشد در ساختار امنیتی جمهوری اسلامی است، پیش‌تر فرمانده نیروی دریائی، وزیر دفاع و دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران بوده است. شمخانی همچنین ریاست مرکز مطالعات راهبردی ارتش را بر عهده داشته و زمانی نیز به‌عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی ریاست‌جمهوری مطرح بود. احتمالاً اکنون برخی از مقامات جمهوری اسلامی از خود سؤال می‌کنند که آیا شمخانی با این قصه‌بافی‌ها، نکند جاسوس اسرائیل است؟



شمخانی

ترمپ: «من نگذاشتم» اسرائیل و ارتش امریکا «به زندگی او پایان دهند.»

دونالد ترمپ در پیامی تازه در شبکه اجتماعی خود که روز جمعه منتشر کرد از ناسپاسی علی خامنه‌ای و سخنان جدید او ابراز خشم کرده و می‌گوید که این سخنان باعث شده او تلاش برای رهایی ایران از تحریم‌ها را متوقف کند. ترمپ که پیش‌تر هم گفته بود که امریکا و اسرائیل از محل اختفای رهبر جمهوری اسلامی در طی جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل اطلاع داشتند، روز جمعه تاکید کرده که او خامنه‌ای را از «مرگی بسیار زشت و خفت‌بار» نجات داده است. او در ادامه می‌گوید که «من نگذاشتم» اسرائیل و ارتش امریکا «به زندگی او پایان دهند.» او در پیام تازه خود می‌پرسد که چرا «این به‌اصطلاح رهبر معظم چنین آشکارا و احمقانه دروغ می‌گوید که در جنگ با اسرائیل پیروز شده است.» دونالد ترمپ رئیس جمهوری ایالات متحده می‌گوید اجازه نداد ارتش اسرائیل یا امریکا جان علی خامنه‌ای را بگیرد و نگذاشته او به شکلی زشت و خفت‌بار بمیرد.

اظهارنظرهای رافائل گروسی

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سه‌شنبه در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز تصریح کرد: «هیچ اطلاعاتی از سرنوشت دقیق ذخایر اورانیوم ایران پس از حملات وجود ندارد.» وی تاکید کرد برنامه هسته‌ای ایران دچار عقب‌گرد جدی شده، اما ابعاد دقیق خسارت هنوز روشن نیست. در همین حال، پیت هگست، وزیر دفاع ایالات متحده، ضمن دفاع از تصمیم ترمپ، اعلام کرد که «توان هسته‌ای ایران از بین رفته و پنجره‌ای برای صلح گشوده شده است.» او با استناد به اطلاعات سازمان سیا تاکید کرد که عملیات اخیر، پروژه

هسته‌ای ایران را برای چندین سال به عقب رانده است. وی در واکنش به انتشار گزارش اولیه از حملات اخیر، مدعی شد که این اسناد به دلیل تلاش برخی جریان‌ها برای زیر سوال بردن موفقیت عملیات به رسانه‌ها درز کرده و اساساً مبتنی بر اطلاعات ناقص و فرضیات اولیه بوده است.

مخالفت مقامات کاخ سفید

قبل از اظهارات مقامات کاخ سفید، شبکه خبری سی.ان.ان و روزنامه نیویورک تایمز در یادداشتی تاکید کرده بودند: «یک گزارش اولیه طبقه‌بندی‌شده آمریکا نشان می‌دهد که بمباران سایت‌های هسته‌ای ایران توسط ارتش آمریکا تنها ورودی‌های دو مرکز هسته‌ای را مسدود کرده و نتوانسته ساختمان‌های زیرزمینی این مراکز را تخریب کند. طبق ارزیابی اولیه، این حملات فقط توانسته برنامه هسته‌ای ایران را برای چند ماه به تعویق بیندازد.»

این گزارش در ادامه تاکید می‌کند: «پیش از این حملات، نهادهای اطلاعاتی آمریکا تخمین زده بودند که اگر ایران بخواهد با سرعت به سمت تولید سلاح هسته‌ای حرکت کند، به حدود سه ماه زمان نیاز دارد. اما پس از بمباران آمریکا و چندین روز حملات هوایی اسرائیل، گزارش آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا برآورد کرد که این برنامه حداکثر کمتر از شش ماه به تاخیر افتاده است.» این گزارش، همچنین تاکید دارد که بخش عمده‌ای از ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران پیش از حملات جابه‌جا شده و تنها مقدار کمی از مواد هسته‌ای از بین رفته است.

ریچارد هاس، رئیس پیشین شورای روابط خارجی آمریکا در واکنش به ادعای پیروزی دونالد ترامپ در نابودی تاسیسات هسته‌ای ایران نوشت: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، این حملات را «موفقیتی تماشایی» خواند و مدعی شد سه سایت هسته‌ای ایران به طور کامل نابود شده‌اند. اما اثبات این ادعا زمان‌بر است؛ ارزیابی خسارات بمباران همواره ترکیبی از علم و هنر است و نمی‌توان به سرعت به نتیجه قطعی رسید. مهم‌تر آن‌که حتی اگر این سه مرکز به کلی نابود شده باشند، حمله در هدف اصلی خود یعنی حذف کامل برنامه هسته‌ای ایران موفق نبوده است. ایران فرصت کافی برای انتقال اورانیوم غنی‌شده، سانتریفیوژهای پیشرفته و دیگر فناوری‌های حساس به مکان‌هایی که فعلاً ناشناخته‌اند داشته است.

نیویورک تایمز: بمباران ایران، زنگ بیدارباش هسته‌ای برای جهان

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی هشدارآمیز، پیامدهای حمله اخیر آمریکا به مراکز هسته‌ای ایران را فراتر از مرزهای این کشور دانسته و نوشته است: اقدام نظامی واشنگتن می‌تواند این سیگنال خطرناک را به جهان مخابره کند که در دنیای پرکشمکش امروز، داشتن سلاح هسته‌ای به تنها سپر دفاعی قابل‌اتکا تبدیل شده است. این روزنامه، تاکید می‌کند که حملات به تاسیسات هسته‌ای ایران، نه تنها احتمال شتاب تهران برای دستیابی به بمب را افزایش داده، بلکه انگیزه سایر دولت‌های غیرهسته‌ای برای ورود به این حوزه را نیز تقویت کرده است. به نوشته نیویورک تایمز، درحالی‌که طی دو دهه گذشته هیچ کشوری وارد باشگاه هسته‌ای نشده بود، حالا این سؤال اساسی مطرح است که آیا عملیات اخیر آمریکا، موجب بازدارندگی دیگر کشورها می‌شود یا برعکس، میل به دستیابی به زرادخانه هسته‌ای را بیش‌تر می‌کند. کریستوفر هیل، دیپلمات کهنه‌کار و مذاکره‌کننده پیشین آمریکا با کره شمالی گفته است: «کره شمالی به هیچ عنوان از داشتن سلاح هسته‌ای پشیمان نیست» و جذابیت بمب اتمی نزد متحدان واشنگتن به‌ویژه در دوران شعار «اول آمریکا» ترامپ، دوچندان شده است. این روزنامه همچنین به افزایش حمایت مردمی برای توسعه برنامه‌های هسته‌ای در کشورهایی مانند کره جنوبی و ژاپن اشاره می‌کند؛ کشورهایی که تاکنون مخالف سرسخت تسلیحات اتمی

بوده‌اند. همزمان، جنگ اوکراین و تهدیدات هسته‌ای مسکو، نگرانی‌هایی در واشنگتن به‌وجود آورده که مبادا روند «باج‌گیری هسته‌ای» توسط سایر کشورها نیز دنبال شود.

هزینه‌های جنگ اسرائیل در غزه و ایران

بر مبنای گزارش روزنامه اقتصادی اسرائیلی کالکالیست، هزینه مجموعی جنگ در غزه تا پایان سال ۲۰۲۴ بیش از ۶۷/۵ میلیارد دلار برآورد شده است. در واقع تهاجم بلندمدت اسرائیل در غزه از اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون و کشمکش‌های اخیر با ایران، این کشور را وارد پرهزینه‌ترین دوره درگیری در تاریخ خود کرده است. پیش‌تر خبرگزاری اسرائیلی «وای‌نت» به نقل از مشاور مالی سابق ستاد ارتش اسرائیل گزارش داد که فقط دو روز نخست جنگ با ایران برای اسرائیل حدود ۱.۴۵ میلیارد دلار هزینه داشته است. ادامه جنگ با ایران می‌تواند هزینه‌های جنگ غزه را در کمتر از هفت هفته پشت سر بگذارد. اسرائیل پیش از تشدید درگیری با ایران نیز، بودجه دفاعی خود را به‌شدت افزایش داده بود. این بودجه از ۱۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳، به ۲۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ رسید. پیش‌بینی‌ها برای سال ۲۰۲۵ حاکی از افزایش آن تا ۳۴ میلیارد دلار است.

با این‌حال رشد اقتصادی اسرائیل در سال ۲۰۲۵ از ۴/۳ درصد به ۳/۶ درصد کاهش یافته است. بر مبنای گزارش‌ها حدود ۶۰ هزار شرکت اسرائیلی در سال ۲۰۲۴ به دلیل کمبود نیروی کار، اختلال در لجستیک و بی‌اعتمادی اقتصادی تعطیل شدند. با تشدید کشمکش‌ها بین اسرائیل و جمهوری اسلامی، آژانس بین‌المللی خدماتی و اطلاعاتی «اس‌پی» مستقر در آمریکا، روز سه‌شنبه هشدار شدیدی درباره شکنندگی اقتصاد اسرائیل صادر کرد. این آژانس اعلام کرد که در صورت ادامه جنگ اسرائیل، به‌ویژه در صورت پاسخ استراتژیک ایران، ممکن است رتبه مالی اسرائیل سقوط کرده و در صورت وقوع این امر، احتمالاً قرضه‌خواهی اسرائیل نیز افزایش می‌یابد و اعتماد سرمایه‌گذاران نیز به اقتصاد این کشور کاهش خواهد یافت.

هزینه جنگ برای جمهوری اسلامی

به گزارش الجزیره، با آغاز درگیری اسرائیل و جمهوری اسلامی، صادرات نفت ایران به‌شدت کاهش یافته است. پیش‌بینی می‌شود صادرات نفت خام و گاز ایران در هفته آتی از ۲۴۲ هزار بشکه به ۱۰۲ هزار بشکه در روز برسد. صادرات از جزیره خارگ که بیش از ۹۰ درصد نفت ایران از آن صادر می‌شود از روز جمعه به‌طور کامل متوقف شده است.

الجزیره نوشت که در سال ۲۰۲۵، ایران به‌طور میانگین ۳/۴ میلیون بشکه در روز نفت خام تولید کرده که طبق گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا، چین خریدار اصلی خارجی آن است. علاوه بر آن، ایران پس از حملات موشکی اسرائیل، بخشی از تولید گاز میدان پارس جنوبی در خلیج فارس را به حالت تعلیق درآورد. پارس جنوبی، بزرگ‌ترین میدان گازی جهان است و حدود ۸۰ درصد گاز تولیدی ایران را تامین می‌کند. در حال حاضر، میزان آسیب به میدان پارس جنوبی مشخص نیست. افزون بر این، اسرائیل پالایشگاه شهر ری در خارج از تهران و انبارهای سوخت اطراف پایتخت را نیز هدف قرار داده است. با این‌حال خسارات اقتصادی این اقدام تاکنون برآورد نشده است.

افزون بر موارد فوق، ایران از دهه‌ها بدینسو، با تحریم‌های اقتصادی از سوی امریکا مواجه بوده است. ایران تا حدی با تکیه بر چین به‌عنوان خریدار اصلی نفت آن و یکی از معدود کشورهایی که همچنان با تهران تجارت می‌کند، از فروپاشی اقتصادی نجات یافته است.

با این حال، کاهش درآمد ناشی از تحریم‌ها، کشور را از توسعه اقتصادی بلندمدت محروم کرده و توانایی تهران برای بازسازی زیرساخت‌های فرسوده را تضعیف کرده است.

ایران همچنین با مجموعه‌ای از چالش‌های دیگری از جمله کمبود انرژی و آب و سقوط ارزش پول مواجه است. کمبود سرمایه‌گذاری، کاهش تولید گاز طبیعی و آبیاری ناکارآمد باعث گسست مکرر برق و کمبود آب شده‌اند.

در همین حال، ریال، پول ملی ایران، نیز از زمان بازگشت تحریم‌ها در سال ۲۰۱۸ بیش از ۹۰ درصد ارزش خود را در برابر دلار از دست داده است. پیش‌تر خبرگزاری تسنیم گزارش داد که ۲۲ تا ۲۷ درصد مردم ایران اکنون زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

حمزه القعود، تحلیل‌گر اقتصادی در یک موسسه تحقیقاتی در لندن در گفت‌وگو با الجزیره، تخمین می‌زند که تهران «بودجه نسبتاً کمی برای مقاصد نظامی» دارد. او تخمین زده که بین ۳ تا ۵ درصد تولید ناخالص داخلی ایران صرف دفاع می‌شود، که معادل حدود ۱۲ میلیارد دلار است.

هرچند تهران ۳۳ میلیارد دلار ذخایر ارزی خارجی دارد، اما القعود می‌گوید: «این‌جاست که ایران در موضع ضعف قرار دارد. استفاده از این ذخایر برای درگیری نظامی کوتاه‌مدت، در بلندمدت آن‌ها را فلج خواهد کرد.»

بودجه نظامی ایران و اسرائیل

مقایسه بودجه نظامی ایران و اسرائیل نخستین روشی است که می‌توان با آن توان نظامی دو کشور را محک زد. بر اساس لایحه بودجه ارائه شده از سوی دولت ایران به مجلس، بودجه نظامی ایران در سال ۲۰۲۴-۱۴۰۳ میلادی، ۴۷۰ هزار میلیارد تومان است. این رقم شامل بودجه وزارت دفاع، نیروهای مسلح، و سازمان‌های مرتبط است. البته تنها این نیست؛ قرار شده تا ۱۳۴ هزار میلیارد تومان هم برای تقویت بنیه دفاعی به ستاد کل نیروهای مسلح پرداخت شود.

برای نمونه، برخی از بخش‌های مهم بودجه نظامی ایران به این شکل است:

-تامین اجتماعی نیروهای مسلح: ۱۳۲ هزار میلیارد تومان

-سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: ۱۲۵ هزار میلیارد تومان

-نیروی انتظامی: ۸۷ هزار میلیارد تومان

-ارتش جمهوری اسلامی ایران: ۶۷ هزار میلیارد تومان

-وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح: ۴۸ هزار میلیارد تومان

-ستاد کل نیروهای مسلح: ۶ هزار میلیارد تومان

-قرارگاه فرهنگی جهادی بقیه‌الله: ۳ هزار میلیارد تومان

با احتساب دالر ۶۰ هزار تومانی بودجه نظامی ایران چیزی حدود هشت میلیارد دالر است، اما در سوی مقابل براساس برآورد موسسه جهانی صلح استکهلم، بودجه نظامی اسرائیل در سال ۲۰۲۴ حدود ۲۴.۳ میلیارد دالر تخمین زده شده است؛ این یعنی بودجه نظامی اسرائیل حداقل سه برابر بزرگتر از بودجه نظامی ایران است.

این در شرایطی است که مساحت ایران یک میلیون و ۶۰۰ هزار کیلومتر مربع است و مساحت اسرائیل تنها ۲۲ هزار کیلومتر مربع؛ یعنی کشوری که ۷۵ بار از ایران کوچکتر است بودجه نظامی سه برابر ایران دارد.

در حالی که بررسی جنگ‌های جاری جهان می‌تواند دریچه‌ای به هزینه‌های روزانه جنگ بین ایران و اسرائیل باشد، سیامک جوادی، مدرس و پژوهشگر اقتصاد مالی در دانشگاه تگزاس می‌گوید: «فوریه گذشته رویترز به نقل از پنتاگون برآورد کرده بود که روسیه برای جنگ چیزی حدود ۲۱۱ میلیارد دلار هزینه مستقیم داده است. در سوی دیگر جنگ اسرائیل با حماس روزی ۲۲۰ میلیون دلار برای اسرائیل هزینه داشته است. وال‌استریت ژورنال در یک گزارش خبر داده که احتمالاً این جنگ تا پایان سال ۲۰۲۵، ۵۰ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت.»

هزینه‌های روزانه یک جنگ

تخمین هزینه‌های روزانه یک جنگ احتمالی بین ایران و اسرائیل به دلیل پیچیدگی‌های بسیاری از عوامل، از جمله نوع و شدت درگیری، نوع تسلیحات مورد استفاده و واکنش‌های بین‌المللی بسیار دشوار است. با این حال، بر اساس برخی معیارهای مشابه از جنگ‌های در جریان و هزینه‌های نظامی این دو کشور، می‌توان تخمین‌هایی ارائه کرد. هرچند پیش از این برآورد باید این نکته را شفاف کرد که اولاً اسرائیل حمایت همه‌جانبه آمریکا و غرب را در مقابله با ایران دارد، در حالی که ایران متحد مستقیمی ندارد. دوماً اسرائیل پیش‌تر سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای بر تجهیز، نوسازی و بهسازی ادوات نظامی کرده است، در حالی که به نظر می‌رسد ایران با تجهیزات و تکنولوژی فرسوده به یک جنگ از پیش باخته می‌رود.

در هزینه‌های مستقیم، ایران حملات موشکی و پهپادی خواهد داشت که هزینه هر موشک بالستیک یا کروز می‌تواند بین یک تا سه میلیون دلار باشد. استفاده از پهپادها و هواپیماهای جنگی می‌تواند در هر پرواز می‌تواند چند صد هزار دلار هزینه داشته باشد.

در سوی مقابل، اسرائیل است که وضعیت اعداد و ارقام درباره آن روشن‌تر است؛ چرا که در جنگ با حماس است. هر موشک رهگیر سیستم دفاع موشکی آن موسوم به گنبد آهنین حدود پنجاه هزار دلار هزینه دارد. در صورت حملات گسترده، روزانه صدها موشک رهگیر مورد نیاز خواهد بود.

اسرائیل معمولاً از هواپیماهای پیشرفته‌ای مثل F-16 و F-35 استفاده می‌کند که هر پرواز آن‌ها هزینه‌های زیادی دارد.

مقایسه اقتصاد دو کشور

این اما همه ماجرا نیست؛ مقایسه تولید ناخالص ملی ایران و اسرائیل یک نماگر گویا از وضعیت اقتصادی دو کشور است: تولید ناخالص ملی ایران ۳۸۲ میلیارد دلار است در حالی که جی‌ان‌پی اسرائیل ۱/۵ برابر بیش‌تر از ایران و حدود ۵۴۰ میلیارد دلار.

این عدد درباره تولید ناخالص داخلی هم تقریباً در همین محدوده نوسان می‌کند. در سال ۲۰۲۳ جی‌دی‌پی ایران ۳۶۰ میلیارد دلار بوده، در حالی که تولید ناخالص داخلی اسرائیل ۱/۵ برابر بیش‌تر و ۵۲۱ میلیون دلار بوده است. سرانه تولید ناخالص ملی ایران چهار هزار دلار است اما همین عدد برای اسرائیل ۱۳/۵ برابر ایران یعنی ۵۴ هزار دلار است. نرخ تورم در ایران در محدوده ۳۵ درصد نوسان می‌کند ولی در اسرائیل کمتر از سه درصد است. نرخ بیکاری در ایران حدود ۱۰ درصد است اما در اسرائیل نزدیک به چهار درصد است.

به گفته سیامک جوادی، اقتصاددان «موضوع دیگر در اقتصاد جنگ شوک از بین رفتن ثبات است. بازارهای پولی و مالی با شوک‌های عدم ثبات (uncertainty) با شرایط جنگی مثل کارد و پنیر است. وقتی اقتصاد با جنگ مواجه می‌شود شرایط شدید بی‌ثباتی رخ می‌دهد که در نتیجه بازارهای مالی کشورهای درگیر و شرکای تجاری‌شان تحت تأثیر قرار بگیرند.»

او ادامه می‌دهد: «پس از آن هم موضوع تاب‌آوری اقتصادی کشورهای درگیر است که آن هم به زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای درگیر مربوط است. آیا ایران آن‌قدری زیرساخت‌های قوی دارد که بتواند تبعات یک جنگ را کنترل کند؟ جواب به‌طور قطع نه است. در سوی مقابل اقتصاد اسرائیل است که زیرساخت‌ها و در نتیجه تاب‌آوری خوبی مقابل تحریم‌ها داشته است. در حالی که در ایران تنها چندصد میلیارد دالر نیاز است که پتروشیمی‌ها نوسازی شوند. در چنین شرایطی زیرساخت‌های کشور اسرائیل در وضعیت بسیار خوبی به سر می‌برند و به‌نظر می‌رسد که جنگ نمی‌تواند آن‌ها را کم‌کار کند.»

جنگ یک پروژه تمام عیار اقتصادی است

استاد دانشگاه Rio Grande Valley در تگزاس توضیح می‌دهد: «ناترازی اقتصاد ایران را می‌توان به بخش‌های مختلف تعمیم داد و در صورتی که جنگ شود به سرعت روی سوبسیدی که دولت به بخش‌های مختلف می‌داده تاثیر خواهد گذاشت و یک تورم جدی در اقتصاد ایران رخ خواهد داد.»

جواد می‌گوید: «از سوی دیگر قسمت بزرگ مشکل جمهوری اسلامی این است بزرگ‌ترین بخش درآمدش از محل نفت است. با وجود جنگ امکان فروش نفت از بین خواهد رفت. سرمایه‌گذاری خارجی در صورت وجود جنگ یا حتی احتمال جنگ به شدت محدود خواهد شد. در شرایط جنگی منابع باید از سمت بخش‌های دیگر به سوی بودجه‌های نظامی و جنگ سرازیر شود و این به زودی اقتصاد ایران را فلج خواهد کرد.»

به گفته این اقتصاددان «ذخایر ارزی بانک مرکزی اسرائیل ۲۱۳ میلیارد دالر است و ناگفته پیداست که منابع جمهوری اسلامی غیر قابل مقایسه با این اعداد است. در نتیجه بعید است که نرخ بیکاری افزایش پیدا کند، بلکه ایالات متحده و کشورهای غربی هم به آن‌ها کمک خواهند کرد که نرخ تورم و بیکاری کنترل شود. در مقابل ایران است که هیچ سپری مقابل شوک‌های جدید ندارد.»

به گفته جواد «گذشته از بُعد نظامی، جنگ یک پروژه تمام عیار اقتصادی است؛ جنگ پول می‌خواهد و با جیب خالی نمی‌توان به جنگ رفت.»

در حالی که ذخایر ارزی و پشتیبانی‌های بین‌المللی می‌تواند به اسرائیل کمک کند تا تبعات اقتصادی جنگ را تحمل کند، ایران با مشکلات بی‌سابقه‌ای مواجه خواهد شد که می‌تواند به فروپاشی اقتصادی کشور منجر شود. آینده‌ای که نتیجه آن نه تنها بر دو کشور، بلکه بر کل منطقه و جهان تاثیرگذار خواهد بود.



وال استریت جورنال: قتل دانشمندان هسته‌ای ایران ضربه محکمی به توان ایران بود

روزنامه وال استریت جورنال روز یکشنبه هشتم تیرماه در گزارشی در خصوص عملیات اسرائیلی «نارنیا»، به نقل از آندره آ استرایکر، یک پژوهشگر بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها در واشینگتن، نوشت که قتل‌های هدفمند «دانشمندان هسته‌ای ایران» اعتماد دیگر افراد در این حوزه را «از بین برده است».

او افزود این امر به «توانایی ایران در جذب افراد برخوردار از تجربه در ساخت اجزای خاص سلاح‌های هسته‌ای ضربه زده است».

رسانه‌های اسرائیل دو هفته پیش جزئیات عملیات «نارنیا» را منتشر کرده و گفته بودند که نیروهای ارشد اطلاعاتی اسرائیل در یک دوره طولانی اقدام به غربالگری دانشمندان هسته‌ای ایران کرده و مهم‌ترین آن‌ها را شناسایی کردند تا در ضربات غافلگیرانه هدف قرار گرفته و با هم کشته شوند و امکان گریز از آن‌ها سلب شود.

گزارش رسانه‌های اسرائیل حاکی بود که طرح کشتن دانشمندان طراز اول برنامه هسته‌ای آن‌چنان رؤیایی تصور می‌شد که خود آن را عملیات «نارنیا» نام نهادند؛ نامی برگرفته از مجموعه داستان‌های تخیلی نوشته سی.اس. لوئیس.

وال استریت جورنال در گزارش خود با استناد به مقامات و کارشناسان امنیتی نوشت حملات اسرائیل علیه دانشمندان، «ضربه محکمی به توان ایران برای رقابت در مسیر ساخت بمب وارد کرده است» زیرا دست‌کم ۱۱ دانشمندی که تا روز آتش‌بس در هفته گذشته کشته شدند، دارای تجارب علمی در آزمایش و ساخت اجزای کلاهک هسته‌ای، مانند سیستم‌های انفجاری، مواد منفجره قوی و منابع نوترونی بودند؛ امری که برای ایجاد یک واکنش زنجیره‌ای در بمب هسته‌ای مورد نیاز است.

اریک برور، مدیر سابق امنیت ملی آمریکا در امر مقابله با گسترش سلاح‌های هسته‌ای، به وال استریت جورنال گفت اگر ایران در میانه تلاش برای ساخت بمب بوده یا آن را یک گزینه بالقوه در آینده نزدیک تصور کرده بود، از بین رفتن دانشمندان به آسانی قابل جایگزینی نیست.

دیوید آلبرایت، رئیس موسسه علوم و امنیت بین‌الملل، فریدون عباسی دوانی را یکی از اهداف مهم دانسته؛ فردی که ۱۵ سال پیش از یک ترور دیگر جان بدر برد و در تلویزیون ایران گفت کشورش «تمامی دانش لازم را برای ساخت سلاح هسته‌ای دارد» و افزوده بود که «اگر به من بگویند بمب بساز، من آن را خواهم ساخت».

رون سولومون، یک تحلیلگر اسرائیلی، به وال استریت جورنال گفت ایران در دو دهه گذشته از دانشگاه‌هایی مانند بهشتی (ملی سابق)، صنعتی شریف و مالک اشتر برای پویایی تخصص خود در زمینه سلاح‌های هسته‌ای استفاده کرده و در این مراکز علمی دانشمندان هسته‌ای تحقیقات و آزمایش‌های خود را با هماهنگی با دانشجویان جوان‌تر انجام می‌دهند تا نخبه‌های جوان وارد قلب برنامه هسته‌ای ایران شوند.

ایران و «امان»، سازمان اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل ترور ۱۱ دانشمند هسته‌ای در درگیری ۱۲ روزه دو کشور را تأیید کردند. ۹ دانشمند هم‌زمان در ساعت نخست عملیات در بامداد ۲۳ خرداد کشته شدند، یک دانشمند چند روز پس از شروع عملیات و دیگری در آخرین ساعات پیش از آغاز آتش‌بس.

*عبدالرحیم موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران در گفتگو با خالد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان سعودی گفت: «ما آغازگر جنگ نبودیم ولی باتوام قدرت به متجاوز پاسخ دادیم» او افزود که جمهوری اسلامی نسبت به پایبندی اسرائیل به تعهدات خود، از جمله آتش‌بس، «کاملاً تردید» دارد. موسوی که پس از کشته‌شدن محمد باقری، ریاست پیشین ستاد کل نیروهای مسلح، از سوی علی خامنه‌ای به این مسئولیت منصوب شد تأکید کرد: «آمادگی داریم پاسخ محکمی به او در صورت تکرار تجاوز بدهیم».



دهه‌ها برنامه‌ریزی مخفیانه اسرائیل برای حمله به ایران

به گزارش روزنامه وال‌استریت ژورنال، حمله اولیه اسرائیل نیازمند ضربات دقیقی بود که فرماندهان ارشد و دانشمندان را تقریباً به‌طور هم‌زمان هدف قرار دهد. در غیر این صورت، بسیاری از آن‌ها ممکن بود متفرق شوند و ردیابی‌شان دشوارتر شود.

وال‌استریت ژورنال نوشته است که گزارش خود را بر اساس مصاحبه با ۱۸ مقام فعلی و سابق امریکائی و اسرائیلی تهیه کرده است.

به نوشته وال‌استریت ژورنال، اسرائیل حدود ۳۰ سال پیش شروع به ایجاد شبکه جاسوسی در داخل ایران کرد که امکان ردیابی حرکات رهبران ارشد نظامی و غیرنظامی را فراهم می‌کرد. این عوامل، همچنین پایگاه‌های مخفی پهبادی ایجاد کردند و موساد، سازمان اطلاعات مخفی اسرائیل، قطعات و تسلیحات را به‌صورت قاچاق وارد ایران کرد.

بر اساس گزارش وال‌استریت ژورنال، در نوامبر ۲۰۲۴، ۱۲۰ نفر از مقامات ارشد اطلاعاتی و نظامی اسرائیل گرد هم آمدند تا تصمیم بگیرند چه کسانی را باید هدف قرار دهند تا برنامه هسته‌ای ایران فلج شود. در ۹ جون، با این نتیجه‌گیری که ایران در آستانه ساخت بمب هسته‌ای است، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، مجوز نهائی برای حمله‌ای را صادر کرد که از مدت‌ها پیش شایعات آن وجود داشت و قرار بود چهار روز بعد آغاز شود. در این میان، به نوشته وال‌استریت ژورنال، اسرائیل با کمک ایالات متحده مجموعه‌ای از اقدامات فریبنده را برای گمراه کردن ایرانی‌ها به کار گرفت.

چهار ترفند

ترفند اول: دفتر نتانیاهو اعلام کرد که او آخر هفته را — پیش از مراسم عروسی پسر بزرگش در روز دوشنبه ۱۶ جون — به تعطیلات خواهد گذراند. به گفته این روزنامه، هدف این بود که این تصور ایجاد شود که نخست‌وزیر تصمیم‌گیری درباره حمله احتمالی را به تعویق انداخته است.

ترفند دوم: مقامات به رسانه‌های اسرائیلی داستانی را درز دادند که حاکی از اختلاف بین نتانیاهو و ترمپ بر سر حمله به ایران بود. ترمپ به خبرنگاران گفت که ایالات متحده و ایران «به توافق برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران بسیار نزدیک هستند».

ترفند سوم: مقامات اسرائیلی علناً اعلام کردند که هیچ حمله‌ای پیش از نشست بعدی مذاکره‌کنندگان امریکائی و ایرانی در یکشنبه، ۱۵ جون، انجام نخواهد شد.

ترفند چهارم: ترمپ در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «ما متعهد به راحل دیپلماتیک برای مسأله هسته‌ای ایران هستیم!» این پست او در حالی منتشر شد که جنگنده‌های اسرائیلی در حال پرواز به سمت ایران بودند.

«عروسی خونین»

با اطلاعات به‌دست‌آمده از جاسوسان خود در ایران، اسرائیل توانست اکثر فرماندهان ارشد نظامی ایران را در یک مکان واحد هدف قرار دهد و از بین ببرد. مقامات اسرائیلی بعداً این حمله را به صحنه خونین «عروسی خونین» در سریال «بازی تاج‌و تخت» تشبیه کردند.

تقریباً در همان لحظه، هواپیماهای اسرائیلی موشک‌هایی را به خانه‌های نه نفر از دانشمندان هسته‌ای ایران شلیک کردند. هر نه نفر کشته شدند.

حملات بعدی به واحدهای راداری، تسلیحات ضد هوایی و پایگاه‌های پرتاب موشک انجام شد. ظرف چهار ساعت، اسرائیل معتقد بود که ضربه‌ای قاطع به دفاع ایران و برنامه هسته‌ای این کشور وارد کرده است.

نیروهای دفاعی اسرائیل در پستی در شبکه‌های اجتماعی توضیح دادند که چرا این دانشمندان، که همگی غیرنظامی بودند، کشته شدند:

«حذف شدند: ۹ دانشمند و متخصص ارشد مسؤول پیشبرد برنامه تسلیحات هسته‌ای رژیم ایران. تمامی دانشمندان و متخصصانی که بر اساس اطلاعات حذف شدند، عوامل کلیدی در توسعه تسلیحات هسته‌ای ایران بودند. حذف آنها ضربه‌ای قابل‌توجه به توانایی رژیم برای دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی است.»

در روزهای پس از حمله، پژوهش‌گران نظامی بررسی کردند که آیا اسرائیل در این قتل‌ها از نظر حقوقی توجیه‌پذیر بوده است یا خیر.

مایکل ان. اشمیت، استاد موسسه لیبر برای حقوق و جنگ در آکادمی نظامی ایالات متحده، در مقاله‌ای در ۱۸ جون اشاره کرد که اسرائیل پیش‌تر چندین دانشمند هسته‌ای ایران را ترور کرده بود، برخی با بمب‌های خودرویی و یکی با یک مسلسل رباتیک.

او با برخی ملاحظات به این نتیجه رسید که حملات همزمان این ماه نقض قوانین درگیری مسلحانه مندرج در کنوانسیون‌های ژنو نبوده است.

اشمیت نوشت: «این موضوع حتی در حالت انتزاعی نیز پیچیده است.»

او افزود: «قوانین درگیری مسلحانه اغلب محیطی ناخوشایند برای کسانی است که به دنبال وضوح یا اطمینان هستند.»



مکارم شیرازی و نوری همدانی تهدیدکنندگان خامنه‌ای را «محارب» خواندند

ناصر مکارم شیرازی و حسین نوری همدانی، دو مرجع تقلید شیعه در قم، بدون اشاره مستقیم به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، تهدیدکنندگان علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، را «محارب» خواندند.

رسانه‌ها در ایران یکشنبه هشتم تیر گزارش دادند مکارم شیرازی به پرسشی درباره این‌که «حکم تهدید مرجعیت و رهبری جامعه اسلامی چیست و اگر این عمل از جانب دولت آمریکا یا هر کس دیگری صورت گرفت، وظیفه مسلمانان در سرتاسر جهان چیست؟» پاسخ داد.

در این پاسخ آمده است: «هر شخص یا رژیمی که برای ضربه به امت اسلامی و حاکمیت آن، رهبری و مرجعیت را تهدید کند یا تعرضی نماید، حکم محارب دارد و هرگونه همکاری و تقویت آن توسط مسلمانان یا دولت‌های اسلامی حرام است»

مکارم شیرازی مسلمانان را به قتل ترامپ و نتانیاهو فراخواند و افزود: «لازم است عموم مسلمانان در سراسر جهان این دشمنان را از حرف و خطای خود پشیمان نمایند و اگر متحمل مشقت یا خسارتی شوند، اجر مجاهد فی سبیل‌الله را دارند»

نوری همدانی نیز هشتم تیر گفت: «اهانت به مقام مرجعیت شیعه و شخص علی‌خامنه‌ای اهانت به اصل اسلام تلقی می‌شود»

او افزود: «هرگونه تهدید و تعرض به رهبر انقلاب و مرجعیت شیعه از سوی شخص یا دولت حکم محارب را دارد»
رئیس‌جمهوری ایالات متحده ششم تیر در پستی در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشت در جریان جنگ اخیر جمهوری اسلامی و اسرائیل، او خامنه‌ای را از مرگی «بسیار زشت و خفت‌بار» نجات داده است.
ترامپ اضافه کرد: «من دقیقاً می‌دانستم او در کجا پنهان شده بود و اجازه ندادم که اسرائیل یا نیروهای مسلح ایالات متحده، که بی‌هیچ شکی بزرگ‌ترین و قدرتمندترین ارتش جهان هستند، جان او را بگیرند»
ترامپ همچنین به طعنه نوشت: «من او را از مرگی بسیار زشت و خفت‌بار نجات دادم، آیا نباید بگوید: متشکرم، رئیس‌جمهور ترامپ؟»

این نخستین بار نیست که مراجع تقلید شیعه علیه شهروندان خارجی حکم «محاربه» صادر می‌کنند.
فتوای قتل سلمان رشدی که در سال ۱۳۶۷ از سوی روح‌الله خمینی، رهبر پیشین جمهوری اسلامی، صادر شد، با حمایت چهره‌های شاخص هر دو جناح اصلاح‌طلب و اصول‌گرای حکومت همراه بوده و با گذشت بیش از سه دهه از صدور آن، هیچ‌یک از آن‌ها از موضع خود عقب‌نشینی نکرده‌اند.

پیش از این نیز ترامپ به‌دلیل صدور دستور حمله‌ای که به کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده پیشین نیروی قدس سپاه پاسداران، انجامید، از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی، از جمله فرماندهان سپاه، تهدید به مرگ شده بود.
اظهارات مکارم شیرازی یک روز پس از آن مطرح شد که روزنامه کیهان، رسانه زیر نظر نماینده خامنه‌ای، در مطلبی در صفحه نخست خود رهبران آمریکا و اسرائیل را تهدید به مرگ کرد.

این روزنامه با انتشار تصویر و خبر تشییع جنازه فرماندهان ارشد نظامی جمهوری اسلامی در تهران نوشت: «ملت امام حسین در حماسه تشییع، علیه آمریکا و اسرائیل اعلام جنگ کرد و تصریح کرد که ترامپ و نتانیاهو نباید زنده بمانند»

پیش‌تر کیهان در مطلبی تهدیدآمیز علیه رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتومی، او را «جاسوس» اسرائیل خواند و تاکید کرد گروسی در صورت ورود به ایران باید «بازداشت و اعدام شود»

این تهدید با واکنش‌های بین‌المللی گسترده‌ای در حمایت از مدیرکل آژانس روبه‌رو شد. مارکو روبریو، وزیر امور خارجه آمریکا، در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، این تهدید را «غیرقابل قبول» خواند و تاکید کرد درخواست برای بازداشت و اعدام گروسی باید» محکوم شود.»

مرکز «امور نخبگان و استعدادهای برتر» حوزه‌های علمیه در واکنش به گزارش‌ها از هدف احتمالی بودن علی خامنه‌ای، و صدور فتوای «محرابه» برخی مراجع تقلید شیعه برای کشتن دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو، اعلام کرد «کفن‌پوشانه» آماده اجرای این حکم است.

علیرضا پناهیان، سخنان دفتر خامنه‌ای، هم با اشاره به حکم برخی مراجع تقلید گفت طبق این حکم «هر مسلمانی در هر جای دنیا باید از جان خود بگذرد و به قتل او اقدام کند.»

فرانسه، المان و بریتانیا در بیانیه‌ای مشترک تهدیدها علیه رافائل گروسی را محکوم کردند

فرانسه، المان و بریتانیا، روز دوشنبه ۳۰ جون-۹ تیر، در بیانیه‌ای مشترک تهدیدها علیه رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را محکوم کردند.

ژان نوئل بارو، یوهان وادفول و دیوید لمی، وزرای امور خارجه فرانسه، المان و بریتانیا، روز دوشنبه ۳۰ جون-۹ تیر، در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند: «ما تهدیدها علیه رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را محکوم می‌کنیم و بار دیگر بر حمایت کامل خود از آژانس تاکید می‌کنیم.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «ما از مقامات ایرانی می‌خواهیم که از هرگونه اقدام برای قطع همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خودداری کنند.»

وزرای امور خارجه فرانسه، المان و بریتانیا در بخش دیگری از این بیانیه تاکید کردند: «ما از ایران می‌خواهیم که فوراً همکاری کامل با آژانس را مطابق با تعهدات قانونی خود از سر بگیرد و تمام اقدامات لازم را برای تضمین ایمنی و امنیت کارکنان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام دهد.»

این در حالی است که مقامات ایران درخواست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازدید از تأسیسات هسته‌ای این کشور را رد کرده‌اند.

اسماعیل بقائی سخن‌گوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در جریان نشست خبری روز دوشنبه ۹ تیر، گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را «نامناسب» و «زمینه‌ساز حمله نظامی اسرائیل و آمریکا به ایران» دانست. او با اشاره به این‌که تنها چند روز از حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران می‌گذرد، گفت: «در این شرایط غیرمنطقی است که همکاری‌های ایران و آژانس در حالت عادی پیگیری شود و یکی از ابعاد مهم این موضوع چگونگی تضمین امنیت و ایمنی بازرسان آژانس است.»

سخن‌گوی وزارت امور خارجه ایران همچنین قانون مجلس در مورد تعلیق همکاری‌ها بین ایران و آژانس را لازم الاجرا دانست و گفت: «آژانس و مدیرکل در برابر حملات به تأسیسات صلح‌آمیز ایران به‌عنوان کشوری عضو ان‌پی‌تی، سکوت کرده و حتی با برخی از واکنش‌ها تلاش داشته که این حملات را توجیه کند.»

به گزارش خبرگزاری فرانسه، در حالی که تهران خسارت وارده به تأسیسات هسته‌ای خود را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد، اسرائیل گفته است که برنامه هسته‌ای ایران در پی حملات اخیر سال‌ها به تعویق افتاده است.

از سوی دیگر، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روز شنبه در گفت‌وگو با شبکه خبری سی‌بی‌اس، به رغم آن‌که آسیب وارده به تأسیسات هسته‌ای ایران در حملات آمریکا را بسیار جدی دانست، گفت: «ایران احتمالاً قادر خواهد بود ظرف چند ماه تولید اورانیوم غنی‌شده را از سر بگیرد.»

به گزارش خبرگزاری فرانسه، اسرائیل در مورد زرادخانه هسته‌ای خود ابهاماتی را حفظ کرده و وجود آن را نه رسماً تأیید و نه تکذیب کرده است، اما ارزیابی‌های موسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم (Sipri) نشان می‌دهد که این کشور ۹۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار دارد.



برگزاری مراسم تشییع کشته‌شدگان حملات اسرائیل در تهران

روز شنبه ۷ تیر ۱۴۰۴ در تهران، مراسم تشییع پیکرهای ۶۰ تن از کشته‌شدگان حمله اسرائیل به ایران برگزار شد. کانون مراسم میدان انقلاب بود. عده‌ای از مقامات حکومتی، از جمله مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، در مراسم شرکت داشتند.

با آغاز ماه محرم تکیه بر مفهوم «شهادت» در این‌گونه مراسم پررنگ‌تر می‌شود. خبرگزاری مهر در توصیف مراسم نوشته است که همه «شور حسینی» در سر و پرچم‌های سرخ «یا لایک یا حسین» در دست داشتند.

ارزیابی در همه جا با تبلیغات و رجزخوانی و تهدید همراه است. اما سیاست تبلیغاتی در ایران ویژگی‌هایی دارد که مستقیماً از ایدئولوژی دینی حکومت ناشی می‌شود و این‌که روحانیون و مداحان بر سر قدرت نشسته مبلغ حرفه‌ای هستند.

به گزارش رسانه‌های داخلی ایران، مراسم ملی تشییع جنازه برای حدود شصت تن از فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان هسته‌ای ایران که در جریان جنگ اخیر توسط اسرائیل کشته شدند، روز شنبه در تهران آغاز شد. این مراسم در پنجمین روز از آتش‌بیس شکننده‌ای برگزار می‌شود که با تهدیدات تازه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بیش از پیش تضعیف شده است.

تلویزیون دولتی ایران ساعت ۸ صبح به وقت تهران آغاز مراسم را اعلام کرد و تصاویری از حضور گسترده مردم در مرکز تهران در اطراف تابوت‌هایی که با پرچم جمهوری اسلامی پوشانده شده و عکس‌هایی از کشته‌شدگان بر آن‌ها نصب شده بود، پخش کرد. مسیر برگزاری این مراسم از میدان انقلاب به سمت میدان آزادی تعیین شده است.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران و اسماعیل قانعی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در این مراسم حضور داشتند. تصاویری از علی شمخانی، مشاور رهبر جمهوری اسلامی در حالی که با عصا ایستاده است، در رسانه‌های

ایران منتشر شد. او یکی از اهداف شب اول حملات اسرائیل به ایران بود. در ابتدا خبرها از کشته شدن او خبر دادند اما بعداً گفته شد که او زخمی شده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، محمد باقری، بلندپایه‌ترین فرمانده نظامی ایران که در نخستین روز جنگ کشته شد به‌همراه همسر و دخترش امروز به خاک سپرده می‌شود. ده‌ها تن از اعضای سپاه پاسداران و متخصصان مرتبط با برنامه هسته‌ای، در بمباران‌های اسرائیل کشته شدند.

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی که ۳۶ سال است قدرت را در دست دارد، در گذشته در مراسم‌های این‌چنینی برای اقامه نماز بر پیکر کشته‌شدگان حاضر می‌شد. با این حال حضور او در مراسم روز شنبه تأیید نشده است. او از ابتدای شروع جنگ، حضور عمومی نداشته و تنها پیام‌های ویدیویی از پیش ضبط شده او از طریق صدا و سیما پخش شده است.

دست‌کم «۷۱ نفر» در حمله اسرائیل به اوین کشته شده‌اند

تیر ۱۴۰۴ - ۲۹ جون ۲۰۲۵

پس از نزدیک به یک هفته پس از حمله اسرائیل به زندان اوین، سخن‌گوی قوه قضائیه ایران گفت، دست‌کم ۷۱ نفر در این حمله کشته شده‌اند. این در حالیست که هنوز بسیاری از خانواده‌های زندانیان از وضعیت سلامت یا محل نگهداری آن‌ها، پس از انتقال از اوین، بی‌اطلاعند.

سخن‌گوی قوه قضائیه ایران روز یکشنبه ۸ تیر گفت، کارمندان اداری، سربازان وظیفه، زندانیان و خانواده زندانیان که برای ملاقات یا پیگیری قضائی به زندان مراجعه کرده، در میان کشته‌شدگان هستند. اصغر جهانگیر، خسارت به خانه‌های اطراف زندان اوین را «سنگین» توصیف کرد و گفت که تعدادی از کشته‌شدگان «افرادی بودند که در همسایگی زندان زندگی می‌کردند».

به گفته او، شماری هم در اثر این حمله مجروح شدند اما آماری از مجروحان نداد. سخن‌گوی قوه قضائیه به بی‌خبری از سرنوشت و نگرانی خانواده زندانیان و عدم دسترسی به بی‌خبری از زندانیان اشاره نکرد.

زندان اوین روز قبل از آتش‌بس هدف حمله قرار گرفت. قوه قضائیه پس از دو روز فقط گفته بود این حمله «شهید» داشته بدون این که آماری اعلام کند.

به گفته جهانگیر، در این حمله ساختمان‌های اداری، سالن ملاقات، ساختمان دادیاری و بهداری زندان اوین هدف قرار گرفته بود.

دفتر حقوق بشر سازمان ملل، حمله اسرائیل به زندان اوین را «نقض فاحش» قوانین بین‌المللی توصیف کرده بود. مهرانگیز ایم‌پور، نقاش، همسر سابق رضا خندان (مهابادی) از جمله کسانی بود در نزدیکی زندان اوین زندگی می‌کرد و در اثر این حمله کشته شد. رضا خندان مهابادی، نویسنده، درباره کشته‌شدن او نوشت: «همسر، دوشنبه، دوم تیر از منزل خود در خیابان اوین به قصد قدم زدن و خرید بیرون می‌آید. حدود ۴۰ دقیقه بعد اما زندان اوین مورد حمله قرار می‌گیرد و موج انفجار موجب از دست رفتن جان مهرانگیز می‌شود».

او گفت که روز دوشنبه از سرنوشت همسرش اطلاعی نداشت و سرانجام عصر روز بعد، پس از جست‌وجوی بسیار جسد همسرش را در پزشکی قانونی کهریزک در جنوب تهران شناسایی کرد.

وضعیت نامعلوم چندین زندانی سیاسی نیز اعتراض خانواده‌های آنان، نهادهای حقوق بشری و گروه‌هایی از کاربران شبکه‌های اجتماعی را در پی داشته است، به طوری که در شبکه ایکس هشتگ «#زندانی_ما_کجاست» بارها بازنشر شد.

مای ساتو، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد برای ایران، گفته بود که «گزارش‌های نگران‌کننده‌ای درباره انتقال زندانیان از زندان اوین در جریان و پس از حملات اسرائیل» دریافت کرده است. او در پیامی در شبکه ایکس «به ویژه» درباره علی یونسی، زندانی سیاسی، ابراز نگرانی کرده و نوشته بود که او «در تاریخ ۲۹ خرداد به اجبار از بند ۴ زندان اوین منتقل شده و از آن زمان خانواده‌اش هیچ اطلاعی از محل نگهداری او ندارند».

انتقال با «با خشونت و پابند» به زندان بزرگ تهران و قرچک

سازمان زندان‌های ایران یک روز پس از حمله اسرائیل به زندان اوین از انتقال زندانیان به سایر زندان‌های استان تهران خبر داد.

در روزهای اخیر گزارش‌های متعددی از «وضعیت بسیار وخیم» زندانیان منتقل‌شده به زندان زنان در قرچک و زندان بزرگ تهران منتشر شده است.

نسرین ستوده، فعال حقوق بشر و همسر رضا خندان، زندانی سیاسی در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی فارسی، از تماس تلفنی کوتاه همسرش بعد از انتقال به زندان بزرگ تهران و وضعیت بسیار بد آن زندان و به‌ویژه بخش قرنطینه‌اش خبر داد. او وضعیت زندان بزرگ تهران را «فاجعه‌بار» خواند و علاوه بر زندانیان سیاسی درباره وضعیت زندانیان عادی هم ابراز نگرانی کرد.

او گفت که پس از حمله اسرائیل زندانیان را با «پابند و خشونت» به زندان بزرگ تهران منتقل کردند و روز بعد از حمله، هیچ‌کس پاسخ‌گوی خانواده‌هایی نبود که به دفتر دادستانی مراجعه کردند و جز یک سرباز کسی آنجا نبود. او زندان بزرگ تهران را «مملو از سوسک و ساس» توصیف کرد و گفت که «هوای بد، آب شور و ازدحام زندانیان» شرایط سختی را ایجاد کرده است.

یکی از بستگان یک زندانی زن که از اوین به زندان قرچک منتقل شده به بی‌بی‌سی فارسی گفت که زندانیان زن به زندان «بدنام» قرچک منتقل شده‌اند.

گروهی از فعالان مدنی با انتشار نامه‌ای از وضعیت زندانیان سیاسی ابراز نگرانی کرده و خواهان «آزادی یا دست‌کم اعطای مرخصی اضطراری» شده‌اند: «زندانیانی که به شکلی معجزه‌آسا از این حمله وحشیانه جان سالم به در بردند، اکنون در معرض تهدیدات و آسیب‌های جدی قرار دارند».

خانواده نگران سیسیل کوهر و شریک زندگی‌اش ژاک پاریس، دو فرانسوی زندانی در ایران روز جمعه ششم تیرماه در یک کنفرانس خبری در پاریس خواستار مدارکی دال بر زنده بودن آن‌ها شدند و گفتند که از سرنوشت این دو از زمان حمله اطلاعی ندارند.

نومنی کوهر، خواهر سیسیل، به خبرنگاران گفته بود: «هیچ کس، نه ما، نه خانواده‌ها و نه مقام‌های فرانسوی، نتوانستند مستقیماً با آنها تماس بگیرند. ما منتظر نشانه فوری از زنده بودن سیسیل و ژاک هستیم تا مطمئن شویم که حال آن‌ها خوب است و زنده هستند».

سیسیل کوهر، معلم ادبیات ۴۰ ساله اهل شرق فرانسه، و شریک زندگی‌اش ژاک پاریس که در دهه ۷۰ زندگی‌اش است، در تاریخ ۷ مه ۲۰۲۲ در آخرین روز یک سفر توریستی به ایران بازداشت شدند.

هشدار نسبت به وضعیت خطرناک زندانیان سیاسی؛ علی یونسی، مطهره گونه‌ای و ارغوان فلاحی کجا هستند؟

بعد از بیش هفت هفته خبری از برخی زندانیان سیاسی همچون علی یونسی، مطهره گونه‌ای و ارغوان فلاحی نیست و حالا این نگرانی به صورت جدی وجود دارد که در اثر این حمله، آسیب جدی به این زندانیان و سایر زندانیانی که در زمان حمله در انفرادی بوده‌اند، وارد شده است. همه زندانیان از جمله محمدرحمن پوره فعال صنفی معلمان، اسماعیل گرامی فعال بازنشستگان و مرتضی صیدی فعال کارگری و خشایار سفیدی و مصطفی محمدحسن از فعالان دانشجویی در زندان تهران بزرگ و آیشااسدالهی، ریحانه انصاری نژاد ناهید خداجو و نسرين جوادی و گلرخ ایرانی از فعالان کارگری و بسیاری دیگر در شرایط بسیار سخت و خطرناکی به سر می‌برند.

محمد حبیبی؛ سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در کانال تلگرامی این شورا نوشت:

۱. کانال شورای هماهنگی در همان روز اول حمله اسرائیل به اوین در گزارشی که از زندان اوین رسیده بود صراحتاً از کشته شدن افراد غیرنظامی زیادی بویژه تعدادی از زندانیان و خانواده‌های مراجعه‌کننده به زندان اوین خبر داد. بعد از نزدیک به یک هفته، سخنگوی قوه قضائیه خبر کشته شدن این خانواده‌ها و زندانیان در این حمله را تأیید کرد.

۲. در همان گزارش تأکید شد که بند امنیتی ۲۰۹ خسارت زیادی دیده است. حالا بعد از نزدیک به یک هفته خبری از برخی زندانیان سیاسی همچون علی یونسی، مطهره گونه‌ای و ارغوان فلاحی نیست و حالا این نگرانی به صورت جدی وجود دارد که در اثر این حمله، آسیب جدی به این دوستان و سایر زندانیانی که در زمان حمله در انفرادی بوده‌اند، وارد شده است.

۳. بعد از حمله به زندان اوین، زندانیان بند چهار، بند هشت و بند زنان، با فشار و تهدید و رفتارهای غیرانسانی به زندان تهران بزرگ و زندان قرچک منتقل شده‌اند. شرایط اسفناک این دو زندان و بویژه بندهایی که این زندانیان سیاسی در آن نگهداری می‌شوند که از حداقل‌های امکانات بهداشتی و درمانی هم بی‌بهره است، نگرانی‌های عمیقی را بوجود آورده است، بویژه که تعدادی از این زندانیان همچون ابوالفضل قدیانی، راحله راحمی‌پور و تعدادی دیگر سالمند، بیمار و نیازمند مراقبت‌های ویژه هستند.

۴. شرایط کنونی زندانیان سیاسی در زندان تهران بزرگ و زندان قرچک نیازمند رسیدگی ویژه و و در راس آن اعطای مرخصی و آزادی است.

همه این زندانیان از جمله محمدرحمن پوره فعال صنفی معلمان، اسماعیل گرامی فعال بازنشستگان و مرتضی صیدی فعال کارگری و خشایار سفیدی و مصطفی محمدحسن از فعالان دانشجویی در زندان تهران بزرگ و آیشااسدالهی، ریحانه انصاری نژاد ناهید خداجو و نسرين جوادی و گلرخ ایرانی از فعالان کارگری و بسیاری دیگر از این زندانیان در شرایط بسیار سخت و خطرناکی به سر می‌برند. به‌ویژه که بنا بر گزارش‌ها، مسؤولان زندان قرچک نه تنها پاسخگوی نگرانی خانواده‌های این زندانیان نبوده‌اند! بلکه با توهین و حرف‌های نامربوط با ایشان برخورد کرده‌اند.

۵. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکومیت حمله اسرائیل به زندان اوین و کشتار هموطنان غیرنظامی در این زندان، نگرانی عمیق خود را از تداوم شرایط اسفناک زندانیان سیاسی در دو زندان قرچک و تهران بزرگ اعلام می‌دارد و خواهان آزادی هر چه سریع‌تر این زندانیان و شفاف‌سازی نسبت به وضعیت زندانیانی است که تاکنون هیچ خبری از آن‌ها بعد از حمله به اوین، مخابره نشده است. بویژه علی یونسی، مطهره گونه‌ای و ارغوان فلاحی.

بی‌شک مسؤولیت جان این عزیزان و سایر زندانیان سیاسی و غیرسیاسی بر عهده مسؤولان قضائی و امنیتی است.

جمهوری اسلامی ایران و «فصل خائن‌کشی»؛ اعدام سه ایرانی به اتهام جاسوسی در ۱۰ روز

رسانه‌های دولتی ایران آمار بازداشت‌شدگان از زمان آغاز حملات اسرائیل را منتشر کردند. رقمی هشداردهنده: بیش از ۷۰۰ نفر، تنها طی «جنگ دوازده‌روزه»، به ظن ارتباط با اسرائیل بازداشت شده‌اند.

به گزارش خبرگزاری فارس، نزدیک به سیاه پاسداران انقلاب اسلامی، اتهام این افراد هدایت و کنترل پهنادهای کوچک و انتحاری، ساخت بمب‌های دست‌ساز، عکاسی از مراکز حساس نظامی و ارسال اطلاعات به ارتش اسرائیل عنوان شده است.

صبح چهارشنبه، سه‌کرد در ارومیه، نزدیک مرز ترکیه، اعدام شدند. خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضائیه، اعلام کرد که ادريس علی، آزاد شجاعی و رسول احمد رسول به اتهام «همکاری با رژیم صهیونیستی» در ماجرای قتل یکی از مهندسان هسته‌ای ایران در سال ۲۰۲۰، مجرم شناخته شده و «صبح امروز به دار آویخته شدند».

همزمان با اعلام خبر اعدام «محمدامین مهدوی شایسته» به اتهام همکاری با اسرائیل، مجلس ایران طرح دو فوریتی تشدید مجازات جاسوسان و همکاری‌کنندگان با «دول متخاصم» را تصویب کرد و رئیس قوه قضائیه نیز از محاکمه افراد مرتبط با اسرائیل طبق «شرایطی جنگی» خبر داد.

اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه امروز در شبکه خبر تلویزیون ایران گفته است «قانون فعلی جاسوسی کلی است و شاید خیلی از مصادیق اتفاقات امروز را در برنگیرد».

او گفته قانون فعلی محاکمه افرادی را که در جریان جنگ با اسرائیل دستگیر شدند، با «محدودیت و معذوریت» مواجه می‌کند.

اقدامات دستگاه قضائی ایران و تصویب طرح دو فوریتی مجازات همکاری‌کنندگان با دول متخاصم در مجلس با واکنش فعالان حقوق بشر روبرو شده و این نگرانی را تشدید کرده است که این‌گونه مصوبات زمینه‌ساز دور جدیدی از سرکوب و برخورد با منتقدان و مخالفان حکومت باشد.

با اعدام محمدامین مهدوی شایسته، دستگاه قضائی ایران در کمتر از ده روز، سه شهروند ایرانی را به اتهام جاسوسی برای اسرائیل اعدام کرده است.

اول تیرماه نیز مجید مسیبی در دادگاه اصفهان «به اتهام محاربه و افساد فی‌الارض طریق همکاری و با دول متخاصم خارجی و جاسوسی» محکوم و بلافاصله اعدام شد.

روز ۲۶ خرداد هم اسماعیل فکری با اتهام و محکومیتی مشابه اعدام شد.

با جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل، موج اعدام، دستگیری و بازداشت شماری از شهروندان در ایران شدت گرفته است.

دادستان عمومی و انقلاب استان کرمانشاه از بازداشت ۱۱۵ نفر و رئیس کل دادگستری همدان از تشکیل ۲۴ پرونده مرتبط با جاسوسی خبر دادند.

همچنین دستگیری چندین نفر در شهرک اندیشه کرج، رضوانشهر و چند شهر دیگر گزارش شده است.

با اعلام خبر اعدام محمدامین مهدوی شایسته، دادستان عمومی و انقلاب مرکز لرستان از بازداشت ۱۰ نفر به «اتهام جاسوسی، تبلیغ علیه نظام و تشویش اذهان عمومی» خبر داد و تاکید کرد که در روزهای گذشته نیز ۱۸ نفر از «مخلان امنیت عمومی در فضای مجازی و حقیقی» در لرستان بازداشت شدند.

فرمانده انتظامی استان گیلان خبر داد که «۳۶ نفر به جرم تشویش اذهان عمومی، همکاری با دشمن متخاصم، هدایت و تصویرداری از اماکن نظامی با ریزپرنده، حریق عمدی، ساخت بمب دست‌ساز و همکاری با گروه‌های معاند دستگیر و با تشکیل پرونده به مرجع قضائی معرفی شدند».

همچنین جانشین فرمانده انتظامی استان فارس از بازداشت ۵۳ نفر از «عاملان مرتبط با حملات اسرائیل» در این استان خبر داد.

طی روزهای اخیر، اینگونه خبرها در سایر استانهای ایران هم کم و بیش منتشر شده است. مقامهای امنیتی و قضائی معمولاً اسامی و تعداد متهمان را اعلام نکرده‌اند و خبرها به‌شکلی کلی اعلام و گفته شده که «اطلاعات تکمیلی متعاقباً اعلام می‌گردد.»

سخن‌گوی فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، فراجا، از «دستگیری شبکه ارسال ریزپرنده در شمال تهران» خبر داد و تعداد افراد بازداشتی را دو نفر اعلام کرد.

انتشار این اخبار در حالی شدت گرفته که در تلویزیون دولتی ایران از افراد مرتبط با اسرائیل خواسته شده به «شکل داوطلبانه» خودشان را معرفی کنند.

پیش از اعدام‌های چند روز اخیر، در اوایل اردیبهشت ماه قوه قضائیه ایران اعلام کرد که محسن لنگرنشین را به اتهام «جاسوسی برای موساد» اعدام کرده است.

در آن زمان، قوه قضائیه مدعی شد که لنگرنشین «پشتیبان عملیاتی و فنی ترور» حسن صیادخدائی، سرهنگ سپاه پاسداران بوده است.

صیاد خدائی خرداد ماه ۱۴۰۱ هنگام خروج از خانه‌اش در تهران با پنج گلوله دو موتورسوار کشته شد.

همچنین دستگاه قضائی جمهوری اسلامی صبح چهارشنبه هفتم خرداد از اجرای حکم اعدام پدرام مدنی به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» خبر داده بود.

پدرام مدنی در سال ۱۳۹۹ به اتهام‌هایی از جمله «جاسوسی برای سرویس اطلاعاتی اسرائیل (موساد)» دستگیر شده بود.

خبرگزاری میزان گفته است «براساس مستندات موجود» مدنی تلاش داشته است تا اطلاعات طبقه‌بندی شده از جمله «مکان‌ها و ساختمان‌هایی که تجهیزات زیرساختی در آن مستقر بوده است را از طریق ارتباط امن به افسر موساد برساند.»

یک روز پیش از اعدام مدنی، مادرش در پیامی ویدیویی گفته بود «پرونده پر از ابهام و اشکال است.» به گفته سازمان حقوق بشر ایران مستقر در نروژ، تا پیش از اعدام‌های اخیر دست‌کم یازده نفر به اتهام همکاری و جاسوسی برای اسرائیل اعدام شده بودند.

از سوی دیگر با موج دستگیری‌ها، اعدام‌ها، قطع سراسری اینترنت، محدودیت‌های اطلاع‌رسانی و بازداشت شماری از منتقدان، فعالان رسانه‌ای و مدنی فضای سیاسی بسته‌تر شد و حتی فشار به فعالان مدنی و هنرمندان افزایش یافت.

آنچه در شبکه‌های اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است حول این محور می‌چرخد که در صورت فروکش کردن این جنگ و ماندگاری این حکومت، احتمال دارد که این بازداشت‌ها شدت بیشتری پیدا کند و شاهد «بگیر و ببند» در جامعه باشیم.

سابقه جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که در بحبوحه بحران‌ها و بخصوص اعتراضات خیابانی از اعدام، بازداشت و زندانی کردن مخالفان و منتقدان به‌عنوان یکی از اهرم‌های فشار برای بازدارندگی و ایجاد رعب و وحشت استفاده کرده است و ما در چند دوره به بهانه امنیت و «حفظ نظام»، شاهد «فصل خائن‌کشی» از طرف حکومت بوده‌ایم.



مرز ایران و افغانستان؛ خروج مهاجران افغان افزایش یافته

افغان‌های متهم به جاسوسی؟

در روزهای جنگ اسرائیل و ایران، از ۲۲ خرداد تا سوم تیر-۱۲ تا ۲۴ جون، رسانه‌ها در ایران از بازداشت دست‌کم پنج افغان به ظن جاسوسی برای اسرائیل خبر دادند.

برخی مهاجران افغان گفتند که به آن‌ها برچسب «جاسوس اسرائیلی» زده شده و مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. مقام‌های ایران می‌گویند بازداشت افغان‌های بدون مدارک اقامتی با سرعت بیشتری ادامه دارد.

در همین حال، ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی حکومت طالبان، از قندهار به بی‌بی‌سی گفت که مقامات از خبرهای دستگیری این افراد مطلع هستند و آن‌ها را پیگیری می‌کنند.

دستگیری افغان‌های مقیم ایران به ظن جاسوسی برای اسرائیل بی‌سابقه است. اگرچه شماری افغان در ایران، محکوم به جرائم مرتبط با مواد مخدر اعدام شده‌اند.

پس از آغاز حملات اسرائیل، افغان‌ها عمدتاً اعلام همدردی با مردم ایران نشان دادند و چهره‌های سیاسی و فرهنگی افغانستان حملات اسرائیل را محکوم کردند.

یک منبع در سفارت افغانستان در تهران که از طرف حکومت طالبان اداره می‌شود، بازداشت افغان‌ها را تأیید کرده است.

علیرضا بیگدلی، سفیر ایران در کابل، که در روزهای جنگ در کنفرانس مطبوعاتی صحبت می‌کرد، گفت: «دست‌هایی در کار است که خدای ناکرده از این موضوع برای تیره کردن روابط و دل‌های ما سوءاستفاده کنند.»

خبرگزاری تسنیم، نزدیک به سپاه پاسداران، روز ۲۸ خرداد-۱۸ جون، گزارش داد که یک دانشجوی افغان در شهرری دستگیر شده که «در تلفن همراه» او «فایل‌های مربوط به آموزش ساخت پهپاد و بمب وجود دارد.» جزئیات بیشتری در مورد هویت این دانشجو نشر نشده و فقط گفته شده که او دانشجوی دوره لیسانس بوده است.

در ۳۰ خرداد-۲۰ جون، دو افغان دیگر در غرب تهران دستگیر شدند. در ویدیوی اعتراف، که معلوم نیست تحت چه شرایطی گرفته شده، یکی از آن‌ها می‌گوید «به عنوان کارگر ساده» کار می‌کرده و لوکیشن (موقعیت) برخی مکان‌ها از جمله صدا و سیما (رادیو و تلویزیون دولتی) را به دوستش در المان ارسال کرده است.

به گزارش رسانه‌های ایران، سعید منتظرالمهدی، سخنگوی فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا)، گفته است که این دو فرد «لوکیشن‌های سازمان صداوسیما و منزل یکی از مسئولان در سعادت‌آباد» را به رابط خود در المان از طریق پیام‌رسان واتس‌آپ ارسال کرده‌اند.

شماری از کاربران شبکه‌های اجتماعی با اشاره به گستردگی نفوذ و حملات اسرائیل از داخل ایران با ناباوری به این ویدیو واکنش نشان دادند و آن را «اعتراف اجباری ساختگی» خواندند.

آدرس ساختمان‌های مجموعه صداوسیما جزو اطلاعات عمومی در ایران است و مشخص نیست که از چه نظر محل آن می‌تواند در زمره اطلاعات محرمانه پنداشته شود.

در دوم تیر-۲۳ جون، گزارش دیگری از بازداشت سه نفر در پاکدشت منتشر شد. خبرنگار سایت انتخاب در ویدیویی آن‌ها را از «عوامل موساد» معرفی می‌کند.

در ویدیو دیده می‌شود که چشم‌های هر سه آن‌ها با پارچه بسته شده است. به‌نظر می‌رسد یکی از آن‌ها ایرانی باشد و دو نفر دیگرشان می‌گویند اهل ولایت بدخشان افغانستان هستند. یکی از دو افغان می‌گوید یک سال و دو ماه و دیگری می‌گوید هشت سال پیش به ایران آمده‌اند.

آن‌ها در این ویدئو می‌گویند با «مواد منفجره» می‌خواستند برخی جاها از جمله «پارچین» را منفجر کنند. نشر «اعترافات اجباری» از مخالفان و منتقدان سیاسی در ایران سابقه دارد اما از نظر نهادهای بین‌المللی حقوق بشری معتبر و قابل استناد نیست.

قوه قضائیه ایران در مورد اتهام این پنج نفر تاهنوز رسماً اظهار نظر نکرده است و مسؤولان امنیتی هم در مورد وضعیت آن‌ها چیز تازه نگفته‌اند.

ضیا سراج، رئیس پیشین اداره امنیت ملی افغانستان، به بی‌بی‌سی گفت: فکر نمی‌کند که استخبارات اسرائیل از کارگران افغان در ایران استفاده کند که هیچ دسترسی به اطلاعات ندارند.

او گفت: «دسترسی کارگر بیچاره افغان که به آن‌جا برای کار روزمزد رفته است، به معلوماتی که اسرائیل نیاز دارد، بدون شک صفر است.»

افزایش دستگیری و اخراج افغان‌ها از ایران

شمار افغان‌هایی که از ایران به کشورشان برمی‌گردند در روزهای اخیر افزایش قابل‌توجهی یافته است. وزارت امور مهاجرین طالبان می‌گوید «۸۰ هزار» افغان از ایران طی یازده روز جنگ برگشتند.

ببرک احساس، گزارشگر بی‌بی‌سی که به گذرگاه اسلام‌قلعه-دوغارون با ایران رفته است، می‌گوید بعضی از افراد بازگشتی می‌گویند که با آن‌ها بدرفتاری شده است.

در این خصوص خبرگزاری فارس به نقل از استاندار تهران از «رشد ۳ تا ۴ برابری آمار دستگیری اتباع خارجی غیرمجاز در مقایسه با ماه‌های گذشته» خبر داده است.

در مواردی برخی رسانه‌ها خبرهای بازداشت افغان‌ها در روزهای جنگ را به اتهامات جاسوسی برای اسرائیل ربط دادند که مسؤولان ایران تکذیب کردند و آن را به حضور «غیرمجاز» شهروندان افغان در ایران مرتبط دانستند.

در یک مورد، ۱۸ افغان در یک خانه در مشهد بازداشت شدند و خبر آن در رسانه‌های ایران به گونه‌ای انعکاس یافت که این افراد گویا «در حال طراحی و ساخت پهپادهای جاسوسی و انتحاری» بودند.

اما به گزارش تسنیم، بعدتر امیر الله شمقدری، معاون امنیتی، انتظامی استانداری خراسان رضوی، گفت: «دستگیری ۱۸ تبعه افغانستانی غیرمجاز در مشهد هیچ ارتباطی با ساخت پهپاد و همکاری با رژیم صهیونی ندارد و علت دستگیری این افراد حضور غیرمجاز در ایران بوده است.»

ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل برای افغانستان، در اول تیر-۲۱ جون در ایکس (توییتر سابق) نوشت: «بیش از ۵ میلیون افغان، از جمله پناهجویان، در ایران نگران امنیت خود هستند. من خواستار خویشتن‌داری از

هر دو طرف و احترام به حقوق بین‌الملل هستم و بر لزوم تلاش برای حفاظت از غیرنظامیان، از جمله پناجویان، تاکید می‌کنم.»

پیش‌تر یک منبع در سفارت حکومت طالبان در تهران در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی تأیید کرد که شماری از افغان‌ها در حمله اسرائیل به ایران کشته و زخمی شده‌اند اما آمار دقیق از کشته یا زخمی‌ها ندارند.

بیش از ۲۳۰ هزار افغان در ماه جون ایران را ترک کردند که بیش‌تر آن‌ها اخراج شدند. آژانس مهاجرت سازمان ملل متحد روز دوشنبه ۳۰ جون-۹ تیر، اعلام کرد که تعداد بازگشت‌کنندگان پیش از مهلت تعیین‌شده توسط حکومت ایران به‌شدت در حال افزایش است.

آوند عزیز آقا، سخنگوی سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM)، به خبرگزاری فرانسه گفت: «از روز یکم تا روز ۲۸ ماه جون، ۲۳۳ هزار و ۹۴۱ نفر از ایران به افغانستان بازگشتند. تنها در هفته ۲۱ تا ۲۸ جون، ۱۳۱ هزار و ۹۱۲ نفر بازگشت‌کننده ثبت‌نام شدند.

او افزود: «در مجموع ۶۹۱ هزار و ۴۹ نفر از ۱ ژانویه تا ۲۸ جون ۲۰۲۵ بازگشتند که ۷۰ درصد آن‌ها به اجبار بازگردانده شدند.»

تعداد بازگشت‌کنندگان در هفته‌های اخیر به شدت افزایش یافته است، زیرا افغان‌ها از افزایش اخراج‌ها و فشار برای ترک کشور قبل از مهلت ۶ ژوئیه که توسط ایران در ماه مه اعلام شد، خبر داده‌اند. طبق گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت، هفته گذشته این تعداد برای مدت چند روز به ۳۰ هزار نفر در روز رسید.

طبق گفته مقامات مرزی طالبان و سازمان ملل، تعداد افراد متهمی که اخراج می‌شوند نیز در روزهای اخیر حدود ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ نفر باقی مانده است و انتظار می‌رود این تعداد قبل از مهلت تعیین شده بیش‌تر هم بشود.

بیش از ۴۵ شهر ایران عمدتاً تهران و شهرهای غربی ایران مورد حمله اسرائیل قرار گرفت، که بیش‌تر شامل استان‌های موسوم به «افغان ممنوع» است.

افغان‌ها حدود ۹۵ درصد اتباع خارجی در ایران را تشکیل می‌دهند. بیش‌تر آن‌ها در چند شهر از جمله تهران، قم، مشهد و اصفهان هستند.

«بدون توافق جامع، صلح دوام ندارد»

ولی نصر، رئیس سابق دانشکده مطالعات بین‌المللی پیشرفته دانشگاه جانز هاپکینز، نسبت به آینده آتش‌بس ایران و اسرائیل ابراز تردید کرده و معتقد است این آرامش موقتی، تضمین‌کننده صلح پایدار در منطقه نیست. به گفته او، اسرائیل پیش‌تر هشدار داده که در صورت احیای برنامه هسته‌ای ایران، باز هم سراغ گزینه نظامی خواهد رفت و تا زمانی که توافقی جامع میان تهران و واشنگتن به دست نیاید، ایران برای بازسازی ظرفیت‌های هسته‌ای خود لحظه‌ای درنگ نخواهد کرد؛ پیامی که از تداوم کشمکش و احتمال شروع دور جدیدی از درگیری‌ها در خاورمیانه حکایت دارد. ولی نصر همچنین تأکید می‌کند که در شرایط فعلی، ترمپ بیش از هر زمان دیگری برای تداوم این آتش‌بس به ثبات نیازمند است. اما ادامه این وضعیت، مستلزم یک پیش‌شرط مهم است: مهار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، که ممکن است با اقدامات تحریک‌آمیز یا تلاش برای اثبات برتری نظامی تل‌آویو، مسیر مذاکرات را تخریب کند. به باور نصر، تنها راه واشنگتن برای دستیابی به صلحی بادوام، بازگشت فوری به میز مذاکره با ایران است. او هشدار می‌دهد که تهران به خوبی از وابستگی ترمپ به بقای آتش‌بس آگاه است و هیچ‌کس حاضر نیست خطر شعله‌ور شدن دوباره جنگی را به جان بخرد که می‌تواند منطقه را به ورطه بحران عمیق‌تری بکشاند. در نتیجه، بعید نیست دولت امریکا

برای حفظ این آرامش شکننده، به جای سیاست تهدید، سیاست تشویق را دنبال کند؛ از اعطای معافیت‌های اقتصادی و تضمین پرهیز از مداخله در امور داخلی ایران گرفته تا دادن تعهدات امنیتی در برابر حملات احتمالی اسرائیل.

نتیجه‌گیری

پس از ۱۲ روز درگیری مستقیم، ایران و اسرائیل با میانجی‌گری امریکا به آتش‌بس موقت رسیدند، اما کشمکش‌ها همچنان بالا است. هنوز روشن نیست از سوی جمهوری اسلامی و اسرائیل چه کسانی نشستند و درباره آتش‌بس توافق کردند.

این جنگ نه تنها توازن قدرت در خاورمیانه را تغییر داد، بلکه به اصطلاح «محور مقاومت جمهوری اسلامی ایران» را نیز با چالش مواجه کرد. بزرگترین بازندگان این جنگ سه طرف، یک درگیری پنهان بودند؛ رضاپهلوی که با اسرائیل «بیعت» کرده بود و رهبری جمهوری اسلامی که از دیده پنهان شد. آسمان ایران اکنون تماماً در اختیار «اسرائیل» است. اکنون ماهیت «وطن‌پرستی» رضا پهلوی و حامیان هم برای ملت ایران آشکار شده است. اسرائیل و برخی دولت‌ها با رضا پهلوی به عنوان ابزار و عروسک کوکی علیه جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند.

سیاست خارجی نتانیاهو بر پایه مجموعه‌ای از نظریه‌هاست. یکی از این نظریه‌های بنیادین که پایه سیاست خارجی نتانیاهو را تشکیل می‌دهد، این است که می‌گوید «صلح از قدرت به دست می‌آید». طبق این دیدگاه، زمانی که ما قدرتمندبودن خود را تثبیت کنیم، طرف‌های ثالث خودبه‌خود برای بهبود رابطه با ما صف کشیده و از مواضع خصمانه دست می‌کشند و برای بهبود رابطه با ما پیش‌قدم می‌شوند. استدلالی هم برای این نظریه دارد. اگر بخواهیم ریشه‌های این بحث را دنبال کنیم، به نظریه‌ای می‌رسیم که از سوی وزیر دفاع پیشین اسرائیل، موشه یعلون، مطرح شده است.

یعلون این نظریه را در کتاب خود به تفصیل تشریح کرده است. او می‌گوید ابتدا باید قاطعیت و قدرت برتر خود را نشان دهیم و به نوعی به حالت «شبه‌هژمونی» برسیم. پس از آن، برای تثبیت این فضا و تکمیل هژمونی خود، باید هزینه زیادی پردازیم. در چنین شرایطی، طرف مقابل هم که مزه سرکوب و قدرت ماشین جنگی ما را چشیده، درک می‌کند که راه دیگری جز پذیرش «تفوق اسرائیل» ندارد. دقیقاً از همین‌جاست که می‌توان به «صلح پایدار» رسید. در چنین شرایطی، هم ما (اسرائیل) از طریق دستیابی به توافق سیاسی، در هزینه‌های امنیتی صرفه‌جویی می‌کنیم و هم طرف مقابل به دلیل حفظ امکان ادامه زندگی، به صلح تن می‌دهد و شرایط برای صلح فراهم می‌شود.

این نظریه در سیاست داخلی اسرائیل، به‌ویژه در مواجهه با فلسطینی‌ها، از سوی چپ‌ها و حتی جناح میانه‌رو پذیرفته نمی‌شود. اما در سیاست خارجی، اتفاقاً یک مورد اجماع بین همه جناح‌های دیگر «صهیونیستی» است.

اکنون، تحلیل اسرائیلی‌ها این است که اگر بتوانند در این جنگ ایران را شکست دهند، چنین شکستی به دیگر کشورهای منطقه پیام روشنی خواهد داد؛ یعنی کشورهایی که توان نظامی، امنیتی یا انسجام اجتماعی کم‌تری نسبت به ایران دارند، درمیانند که اگر مانند ایران با اسرائیل وارد تقابل شوند، هزینه‌های سنگینی خواهند پرداخت؛ بنابراین ترجیح می‌دهند راه صلح را در پیش بگیرند و به نوعی به وضعیت شبه‌هژمونی اسرائیل تن دهند.

در حال حاضر در شهرهایی مانند تل‌آویو بنرهایی با عنوان «خاورمیانه جدید» نصب شده که در آن‌ها تصویر رئیس‌جمهور لبنان، رئیس دولت موقت سوریه و محمد بن سلمان در کنار دیگر کشورهایی که به پیمان ابراهیم پیوسته‌اند، دیده می‌شود. این نشان‌دهنده نگاه آینده‌نگر طرف اسرائیلی برای بازسازی نظم منطقه‌ای است.

از نگاه اسرائیل، جنگ فعلی هنوز تمام نشده و تنها یک آتش‌بس موقت برقرار شده است. آن‌ها معتقدند اگر در ادامه بتوانند ایران را شکست دهند، منطقه به وضعیت قبل از هفتم اکتبر، یعنی حوالی یک اکتبر یا ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۳ باز خواهد گشت، با این تفاوت که این‌بار ایران به‌عنوان آینه عبرتی برای دیگران مطرح خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران در سه دهه گذشته، به دستور علی خامنه‌ای و در راستای تحقق آرمان‌های ایدئولوژیک نظام، روی برنامه هسته‌ای خود سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی کرده است؛ برنامه‌ای که علاوه بر هزینه‌های فنی مستقیم، برای مردم ایران تبعات اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای نیز به همراه داشته که حملات اخیر ارتش اسرائیل و ایالات متحده آمریکا به مراکز هسته‌ای و نظامی جمهوری اسلامی آخرین نمونه آن بوده است.

بررسی منابع تحلیلی مستقل و داده‌های اقتصادی نشان می‌دهد که مجموع هزینه‌های برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از جنبه اقتصادی چه در قالب هزینه‌های مستقیم و چه غیرمستقیم، برای مردم و کشور، رقمی حدود دو تا پنج هزار میلیارد دلار (برابر با دو تا پنج تریلیون دلار) برآورد می‌شود.

با این حال بخش اصلی و بسیار سنگین‌تر بهای واقعی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی برای ایران هزینه‌های غیرمستقیم آن است. این هزینه‌ها عمدتاً تبعات تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی‌اند که در پی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی وضع شده‌اند. تحریم‌ها نه تنها به کاهش شدید درآمدهای نفتی دولت‌های جمهوری اسلامی انجامید، بلکه موجب خروج گسترده سرمایه‌گذاران خارجی، اختلال در تجارت بین‌المللی و بسته‌شدن مسیرهای مالی شد.

برآوردهای اقتصادی و اظهارات رسمی چندین مقام ارشد جمهوری اسلامی در سالیان اخیر، از جمله حسن روحانی، محمدجواد ظریف، بیژن زنگنه، عبدالناصر همتی و مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری فعلی، نشان می‌دهد که مجموع خسارت‌های ناشی از برنامه هسته‌ای و تحریم‌های مرتبط با آن، رقمی بین دو تا پنج تریلیون دلار به اقتصاد ایران تحمیل کرده و عملاً دهه‌ها توسعه و رفاه اقتصادی کشور را به گروگان گرفته است.

این هزینه هنگفت به‌تنهایی چند برابر خسارت‌های اقتصادی ناشی از جنگ هشت‌ساله ایران و عراق برآورد می‌شود. به گفته منابع دولتی در ایران، هزینه جنگ ایران و عراق برای جمهوری اسلامی حدود ۵۰۰ تا هزار میلیارد دلار بود، در حالی که بار اقتصادی برنامه هسته‌ای، دست‌کم پنج برابر آن تخمین زده می‌شود؛ آن هم در شرایطی که خروجی ملموس و پایدار آن برای مردم ایران نه رفاه، امنیت یا پیشرفت، بلکه فقر، انزوا، فرار مغزها و تکرار تحقیرهای بین‌المللی بوده است.

با گذشت بیش از یک هفته از اعلام آتش‌بس میان ایران و اسرائیل، علی خامنه‌ای همچنان در انتظار عمومی ظاهر نشده و بیش از یک هفته است که از او هیچ سخن و پیامی منتشر نشده است. به گزارش نیویورکتایمز، در غیاب رهبر جمهوری اسلامی، سران سیاسی و نظامی حکومت در حال تشکیل ائتلاف و آمادگی برای جنگ قدرت هستند.

مهدی فضائلی، عضو دفتر حفظ و نشر آثار علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه با حضور در یک برنامه تلویزیونی در پاسخ به پرسشی مبنی بر وضعیت سلامتی خامنه‌ای گفت: «دشمن با اطلاع از ارتباط و صمیمیت مردم و رهبری تلاش می‌کند آن‌ها را نگران کند. همه ما باید دعاگو باشیم. کسانی که وظیفه حفظ و صیانت از رهبری را دارند، حتماً وظیفه‌شان را به خوبی انجام می‌دهند و انشاءالله مردم ما در کنار رهبرشان پیروزی را جشن می‌گیرند.»

آخرین پیام ویدیویی خامنه‌ای در پنج‌شنبه ۱۹ جون منتشر شده است. به گفته برخی مقامات جمهوری اسلامی ایران، خامنه‌ای در جریان حملات در پناهگاه حضور داشته و برای این‌که از هرگونه سوءقصد احتمالی در امان باشد، از استفاده از وسایل ارتباطی الکترونیکی اجتناب کرده است. این غیبت خامنه‌ای، آن هم در وضعیتی که جمهوری اسلامی ایران با بحرانی بی‌سابقه روبه‌رو است، پرسش‌های بسیاری را درباره وضعیت خامنه‌ای به‌وجود آورده است؛ آیا رهبر جمهوری اسلامی در تصمیمات

اخیر دخیل بوده است؟ آیا با توجه به دشواری‌ها یا تاخیرهای احتمالی در دسترسی به او، همچنان بر کشور نظارت دارد؟ آیا مجروح شده، بیمار است، یا حتی زنده است؟

در چنین روندی، تنها راه برون‌رفت مردم ایران از این همه فجایع، خودآگاهی، خودسازمان‌دهی سراسری و تقویت جنبش‌های اجتماعی با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد، برابر و عادلانه است. در غیر این صورت، و حتی با فروپاشی جمهوری اسلامی با فشارهای خارجی، باز هم جنگ و سرکوب، ترور و اعدام، فقر و فلاکت در جامعه ما همانند عراق، افغانستان، لیبی و غیره ادامه خواهد یافت.

حالا سؤال روز، این است که آیا صلحی پایدار در راه است یا دنیا به خصوص خاورمیانه، باید منتظر دور جدیدی از درگیری باشد؟

سه‌شنبه دهم تیر-سرطان- ۱۴۰۴-یکم جولای ۲۰۲۵

ضمیمه:

گزارش و تفسیر

موضوع برنامه: ترمپ در نقش میانجی یا مشوق؟ پشت پرده تمجید از رژیم چه بود؟

مهمان برنامه: بهرام رحمانی - نویسنده، پژوهشگر و تحلیلگر مسائل سیاسی

برنامه در یوتیوب: <https://youtu.be/f0jTQ3asgb8?si=PqDStZCx9RZu2P1f>